

شعر و شخصیت شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر

نگارنده: پوهندوی دکتر احمدغنی خسروی*

چکیده

شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی، از صوفیان مجذوب و مشهور سده‌های هفتم و هشتم هجری، در شبه‌قاره (هندوپاکستان) بود. او شاعری توانا و آگاه به عرفان اسلامی بوده است. از شیخ شرف‌الدین اشعاری با محتوای عرفانی در قالب‌های غزل و قصیده در دست است، که بحث و بررسی هر کدام دارای اهمیت می‌باشد.

در این جستار برآن بودیم تا با روش توصیفی – تحلیلی، با داده‌های کیفی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، ضمن شناساندن شخصیت این شاعر بزرگ، در بُعد شعر و شخصیت او، با قالب‌های مختلف شعری وی، به‌ویژه غزل و رباعی آشنا شده، رابطه آن را با تصوف و اهل قلم برجسته سازیم.

نتیجه این‌که: حضرت شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی، از شاعران و عارفان شهیر قرن هفتم و هشتم هجری بوده است، که از وی اشعاری در قالب‌های باقی مانده که بیان‌گر تبحر او در شعر عارفانه و در کنار آن نشان از پخته‌گی و صلابت شعری می‌باشد.

واژه‌گان کلیدی: شعر، عرفان، بوعلی قلندر، ارادت سلاطین و قالب‌های

شعری.

* عضو هیئت علمی پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون هرات (ahmadghanikh@gmail.com)

مقدمه

تذکره‌های بعد از عصر بوعلی قلندر، چیزهایی را که راجع به او نوشته‌اند، اغلب عقیده شخصی افراد و گاه با مبالغه همراه است؛ اگر به حالات زنده‌گی او بخواهیم روشنایی بیندازیم، معتبرترین منبع، تصنیف خود او همان «حکمت‌نامه» است، که می‌شود چیزهایی را از آن استخراج کرد. شرف‌الدین بوعلی قلندر، یک‌تن از شاعران و متصوفان نام‌دار قرن هفتم و هشتم در شبه‌قاره هند است. تاکنون پیرامون این شاعر بزرگ پژوهش‌چندانی در جامعه ادبی - فرهنگی فارسی‌زبانان صورت نگرفته است و شخصیت این بزرگ‌مرد تاریخ، در حاله‌یی از ابهام باقی مانده است؛ لذا برای شناخت این شاعر، نیاز به پژوهشی از این دست است؛ این نوشتار بر اساس نیاز مذکور ترتیب شده است. در مورد شرح حال، زنده‌گی و آثار شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر پژوهش‌های اندک شده؛ اما در ارتباط به شعر و محتوای شعر این شخص، کاری صورت نگرفته است. هدف اصلی این پژوهش، شناخت شعر و شخصیت شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر است؛ هم‌چنان اهدافی چون: بیان رابطه و ارادت شاهان روزگار او به وی؛ و شناخت قالب‌های شعری بوعلی قلندر را دنبال می‌کنیم.

در همین راستا، پاسخ این پرسش اصلی: شعر و شخصیت شرف‌الدین بوعلی قلندر چه گونه است؟ و پرسش‌هایی چون: رابطه این شاعر با شاهان روزگار او چه گونه است؟ و قالب‌های شعری وی کدام‌ها هستند؟ را درخواهیم یافت.

داده‌های کیفی این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌یی شکل گرفته و نتایج بیان‌گر این است که: حضرت شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی‌پتی، از شاعران و عارفان شهیر قرن هفتم و هشتم هجری بوده است، که از وی اشعاری در قالب‌های شعری باقی مانده که بیان‌گر تبحر او در شعر عارفانه و در کنار آن نشان از پخته‌گی و صلابت شعری وی می‌باشد؛ نیز می‌گویند که وی با مولانا رابطه معنوی قوی و محکم داشته؛ هرچند بعضاً بر این باور اند که وی با مولانا جلال‌الدین محمد بلخی دیدار نیز داشته است.

زنده‌گی شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر

پدر شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر، فخرالدین سالار در سال ۶۰۰ هجری از عراق به هندوستان رفته و چهار سال بعد، تولد بوعلی قلندر در سال ۶۰۴ اتفاق افتاده است؛ ولی تذکره اولیایی کرام و بزم صوفیه ولادت بوعلی را سال ۶۰۵ در پانی‌پت نوشته‌اند (اعظمی؛ ۱۹۸۵؛ ۱۳۳).

مادر بوعلی قلندر، ماجده، خواهر مولانا سید نعمت‌الله همدانی بود و فارسی، زبان مادری‌اش بود. بوعلی در اوایل عمر خود غرض آموختن علوم مروج در حلقه درس علمای عصر خود اشتراک نموده

است. از نوشته کتاب *شرف‌المناقب* چنین برمی‌آید که استاد بوعلی مولانا سراج‌الدین مکی بوده است (ماندوی؛ بی‌تا: ۱۰۰).

مولانا سیدمحمد میان می‌نویسد: «مولانا سراج‌الدین مکی، استاد این عاشق الهی بوده و صدویست سال عمر شان بود» (۱۹۶۳: ۳۶-۳۷).

شیخ شرف‌الدین بوعلی، بعد از چهل سال زنده‌گی در پانی پت، روانهٔ دهلی گردیده، در جوار قطب منار مشغول درس و تدریس شد. در *حکم‌نامه* آمده است: «آن روز عمر این درویش چهل سال بود در قطب منار دهلی سکونت می‌کردم و آن‌چه مطلوب بود، از خدای تعالی می‌خواستم» (همان: ۱۲).

نظر به بصیرت علمی شیخ بوعلی قلندر، تمام حلقه‌های سیاسی و علمی از او پستی‌بانی نموده، ارباب حکومت، منصب قضا را به او سپردند. او بیست سال در این منصب کار نمود. در این دوران گروهی از علما مخالف او شده، که در رأس آن‌ها مولانا سراج‌الدین و مولانا امیرعلی بودند؛ لیکن مشاهیر علما و فضایی نام‌دار عصر، به شیخ شرف‌الدین بوعلی، احترام و ارادت خاصی داشتند. مولانا صدرالدین، مولانا ناصرالدین، مولانا قطب‌الدین مکی، مولانا وجیه‌الدین پایلی، قاضی ظهورالدین بجواری، قاضی حمیدالدین، مولانا فخرالدین ناقله، مولانا احمد بخاری، مولانا نجیب‌الدین سمرقندی و مولانا معین‌الدین دولت‌آبادی، که همه علمای جلیل‌القدری بودند، که به شخصیت، معرفت و تجربه علمی وی معترف بوده‌اند.

عمر شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر، ۱۲۰ سال گفته شده؛ و در ۱۳ رمضان ۷۴۲ وفات نموده است. مقبره ایشان در منطقهٔ مردمان پائین کرنال پانی پت واقع است. تاریخ وفات او در قطعات مختلف ذکر شده، که به حساب حروف ابجد؛ «شرف‌الدین ابدال» الهدیة چشتی، یعنی ۷۴۲ هجری قمری می‌باشد (سیرالاقطاب؛ ۱۹۱۳: ۱۹۱).

بوعلی اشرف و نجیب و شریف	وصل شد چون به وصل رب ودود
ارتحالش شرف ولی زمان	نیز فرما شرف ولی زمان
باز شد سن رحلتش پیدا	زیب عالم قلندر مسعود

(همان: ۱۹۱)

غلام‌سرور لاهوری، تاریخ وفات بوعلی قلندر را مطابق به این اشعار می‌داند:

چون شرف از جهان به جنت رفت	متصل شد به وصل رب ودود
سال وصلش شرف ولی زمان	نیز فرما شرف ولی محمود
بار دیگر شرف سعید بگو	سال ترحیل آن شه باوجود
نیز شد سال رحلتش پیدا	زیب عالم قلندر مسعود

(همان: ۷۴۲)

بعد از وفات بوعلی شاه قلندر، خضرخان و شادی خان، فرزندان علاءالدین خلجی در کنار مقبره او درگاهی شان دار و مدرسه‌یی را اعمار نمودند، که تا امروز همان درگاه، زیارت‌گاه خاص و عام بوده است، که همه‌روزه مردمان جهت زیارت و تولا به درگاه شیخ بوعلی می‌روند و همه‌ساله عرس شیخ نیز در همان درگاه برگزار می‌گردد. در شب عرس بوعلی شاه قلندر، ده‌ها هزار تن از مخلصان وی، اعم از هندو و مسلمان آن‌جا جمع می‌شوند (قطب‌الدین احمد؛ ۱۳۱۳: ۱۴۸).

راه‌یابی بوعلی قلندر به مسیر تصوف

باوجود همه این‌ها به خاطر نکته‌چینی و بدگویی تنی چند از رقبای خویش، شیخ شرف‌الدین بوعلی از درس و فتوانویسی دست‌بردار شده، راه تصوف را اختیار کرد. شیخ شرف‌الدین نظر به شوق و جذبه‌یی که بر وی غالب شد، بر تمام علوم (علم شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت)، غلبه حاصل نمود. وقتی مشغول ریاضت و مجاهده شد، از شهر و از سوی آبادی روی به صحرا نمود و کتاب‌های علمی و فنون خود را به دریا انداخت. صاحب *اخبار/الاخبار* در این زمینه می‌نویسد: «شرف‌الدین پانی‌پتی که او را قلندر نیز می‌گویند، از مشاهیر مجاذیب اولیاست. می‌گویند که در اوایل حال تحصیل علم کرد و در طریقت مجاهده و سلوک و ریاضت نمود. در آخر مجذوب شد و کتاب‌ها را در آب انداخت» (به نقل از: دهلوی؛ ۱۲۸۰: ۱۲۴).

مؤلف خزینة‌الاصفیا در مورد بوعلی قلندر، این‌طور می‌گوید: «از اولیای نام‌دار و از مجاذیب باوقار و مشایخ صاحب‌الاسرار چشت اهل بهشت است. در اوایل حال تحصیل علم کرد و طریق مجاهده پیش گرفت، چون جذب و سکر به نهایت رسید، کتاب‌ها را در دریا انداخت و ارادت به خاندان چشت آورد» (به نقل از: لاهوری؛ ۱۲۸۰: ۱ / ۳۲۶).

در روایتی آمده که شیخ شرف‌الدین قلندر، با خواجه بختیارالدین کاکي، خلیفه و جانشین حضرت شیخ معین‌الدین چشتی _ علیه‌الرحمه _ و حضرت شیخ نظام‌الدین اولیا ارتباط و ارادتی خاص داشت؛ ولی شیخ عبدالحق محدث دهلی در کتاب *اخبار/الاخبار* این ارادت را تصدیق نمی‌کند: «نسبت ارادت او به یکی از این مشایخ مشهور نیست، بعضی گویند به خواجه قطب‌الدین بختیار کاکي ارادت داشت و بعضی گویند شیخ نظام‌الدین اولیا و هیچ‌یک از این دو به صحت نرسیده است» (به نقل از: دهلوی؛ ۱۲۸۰: ۱۲۵).

صاحب الهدیه چشتی در *سیرالاقطاب* ارادت قلندر و خلافت ایشان به شیخ قطب‌الدین بختیار کاکي می‌گوید: «نسبت شجره و خلافت به قطب‌الاقطاب حضرت شیخ قطب‌الدین بختیار کاکي اوشی قدس الله سره العزیز می‌پیوندد و بدین طریق حضرت قطب ابدال شیخ شرف‌الدین بوعلی قلندر قدس سره مرید و خلیفه حضرت شیخ شهاب‌الدین عاشق خدا و هو من حضرت شیخ امام‌الدین ابدال

و هو من حضرت شیخ بدرالدین غزنوی و هو من حضرت قطبالقطاب خواجه قطب‌الدین بختیار اوشی قدس الله تعالی» (سیرالقطاب؛ ۱۹۱۳: ۴۹).

در حکم‌نامه، این روایت مشکوک به نظر می‌رسد، که حضرت شرف‌الدین قلندر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و شیخ شمس‌الدین تبریزی را ملاقات نموده و از این دو شیخ بزرگوار خرقه خلافت گرفته باشد؛ به‌هرحال، این موضوع مشخص نشده که شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه از هندوستان خارج شده است یا نه؟ در روایتی از حکم‌نامه این حرف تصدیق می‌گردد که شیخ بوعلی شاه تا عمر چهل سالگی را در پانی پت گذرانده است، در دهلی سلسله درس و تدریس را شروع کرد و به مسند قضاوت دهلی رسید؛ بیست سال در این عرصه کار کرد و بعد از این کار سبک‌دوش شده در عالم سکر و سهو در مضافات پانی‌پت به سر برده است. این که شیخ بوعلی شاه قلندر به خراسان رفته و یا چه‌گونه رفته است، از روایت حکم‌نامه چندان واضح نیست؛ اما این سخن حکم‌نامه دور از واقعیت نیست، و این که میان شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه و علما و مشایخی چون مولانا ضیاء‌الدین سنایی، خواجه شمس‌الدین ترک، مولانا نجم‌الدین قلندر، کبیرالاولیا شیخ جلال‌الدین پانی‌پتی، حضرت شیخ نظام‌الدین اولیا و حضرت امیر خسرو دهلوی ارادت و محبت زیادی وجود داشته است.

ارادت شاعران و سلاطین عصر به بوعلی شاه قلندر

امیرخسرو دهلوی، همراه با هدایای سلطان علاء‌الدین خلجی، که آن را همیشه به شیخ بوعلی شاه می‌برد، با او دیدار می‌نمود. اشعار خود را به او می‌شنوید و اشعار شیخ را می‌شنید. امیر خسرو دهلوی یک‌بار این غزل خود را به شیخ بوعلی شاه خواند:

ای که گویی هیچ سخنی جز فراق یار نیست	گر امید وصل باشد، آن چنان دشوار نیست
عاشقان را در جهان یک‌سان نباشد روزگار	زان که این انگشت‌ها بر دست من هموار نیست
خلق را بیدار باید بود از آب چشم من	این که عجب کان وقت می‌گیرم که کس بیدار نیست
یک‌قدم بر نقش خود وان دیگر در کوری دوست	هرچه بینی دوست بین با این و آنت کار نیست
چندگویی برو زنار بند ای بت‌پرست	بر تن خسرو کدامی رگ که آن زنار نیست

(به‌نقل از: عبدالرحمن؛ ۱۹۸۲: ۲۹۲)

بوعلی شاه قلندر، با گوش‌دادن به غزل امیر خسرو دهلوی او را مورد تحسین و تقدیر قرار داده و خود فی‌البیدیه غزلی را، که بیان‌گر ذوق شعری و پخته‌گی کلام اوست این‌گونه سرود:

دیهیم خسروان بر نعل اشتر است	خسرو کسی که حلقه تجرید بر سر است
گفتم به علم و عقل به ملک دگر شدم	ملکم ز عقل دین چو دیدم فزون‌تر است
سیمرغ‌وار روی نهفتم به قاف عشق	کو عارفی که منظر او عشق اکبر است

عقل کل است علم لدنی به عارفان این عقل و علم جسمی و رسمی مختصر است
درس شرف نبود از الواح ابجدی لوح جمال دوست مرا در برابر است
(به نقل از عبدالرحمن: همان‌جا)

علامه اقبال لاهوری هم این ملاقات امیرخسرو دهلوی و شیخ بوعلی شاه را با بیانی زیبا توصیف می‌نماید:

خسرو شیرین‌زبان رنگین‌بیان نغمه‌هایش از ضمیرش کن فکان
فطرتش روشن مثال ماه‌تاب گشت از بهر سفارت انتخاب
چنگ را پیش قلندر چون نواخت از نوای شیشه دجانش گداخت
شوکنی کو پخته چون که‌سار بود قیمت یک نغمه گفتار بود
نیش‌تر بر قلب درویشان مزن خویش را در آتش سوزان مزن
(لاهوری؛ ۱۸۷۶: ۲۴)

در آن زمان، مردمان عام و خاص، سلاطین، امراء، شاه‌زاده‌گان عقیده‌یی خاص به شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه داشتند و ابراز عقیدت و اخلاص شان را به بوعلی شاه یک سرمایه معنوی و مایه افتخار می‌دانستند؛ چنان‌که سلطان جلال‌الدین خلجی، سلطان علاء‌الدین خلجی، مبارک خان، سلطان غیاث‌الدین تغلق شاه، پای صحبت شیخ بوعلی شاه می‌نشستند و از ارشادات شیخ بوعلی شاه کسب فیض می‌کردند؛ بوعلی شاه قلندر تغلق شاه را عزیز دانسته، درحالی‌که او نه شاعر دربار بود و نه هم قصیده‌سرای مداح؛ با آن‌هم موافق طبیعتش بود که قصیده‌شان‌داری را برای سلطان غیاث‌الدین تغلق شاه بسراید و این‌گونه تغلق خاطر خویش را به او نشان دهد:

دهان و لب و قد و شخصیت‌نگار هست سیمین‌بر
یکی راحت، یکی بسته، یکی سرو و یکی عرعر
شه اعظم غیاث‌الدین که از او آتش مشرف شد
یکی تخت و یکی بخت و یکی خاتم یکی افسر
به عزم و جزم و کر و فر هیبت بی‌سراندیشان
یکی بهمن، یکی کسری، یکی دارا، یکی نوذر
چو او شاهی به عالم در نیامد از عدم بی‌شک
یکی عادل، یکی باذل، یکی ضابط، یکی داور
زهی شاهی که در حلم و حیا و عدل و بذل وحی
یکی بکر و یکی عمر و یکی عثمان یکی حیدر
تویی شاهها در این عالم به رزم، دست‌ودل
یکی حاتم، یکی رستم، یکی خاقان، یکی سرور

صاحب خزینة‌الاصفیاء بیان می‌کند که: «علاء‌الدین و جلال‌الدین، پادشاهان دهلی هم حلقهٔ ارادت آن حضرت به گردن خود داشتند» (لاهوری؛ ۱۲۸۰: ۱ / ۳۲۷).

در عهد پادشاهی سلطان علاء‌الدین خلجی، یک تن از بلندرتبه‌گان حکومتی، به اسم خواجه سرملک نائب، یک تن از درویش بوعلی شاه قلندر را اذیت کرده بود، و شیخ شرف‌الدین در این ارتباط نامه‌یی احتجاجی به خاطر ظلم مأمور حکومتی به سلطان علاء‌الدین خلجی نوشت، و صاحب کتاب مرة‌الکونین این موضوع را این‌گونه بیان می‌کند: «علاء‌الدین شحنة را اعلام، آن‌که خواجه سرای یکی از درویشان را رنجانید و عرش الرحمن را به لرزه آورد، اگر او را به سزا رسانیدی به‌تر و الا به جای تو شحنةٔ دیگر به دهلی نشانیده خواهد شد» (لاهوری؛ ۱۹۷۶: ۲۳۷).

این واقعه را علامه اقبال لاهوری در اسرار و رموز خود به نظم آورده و آن را نتیجهٔ عشق و محبت به حساب آورده است، و این را که چه‌گونه حکمرانان قدرت‌مندی چون شاهان خلجی و سلطان غیاث‌الدین بلبن تابع او بوده‌اند این‌گونه به نظم می‌آورد:

با تو می‌گویم حدیث بوعلی	در سواد هند نام او جلی
آن‌نوا پیرائی گل‌زار کهن	گفت با ما از گل رعنا سخن
خطهٔ این جنت آتش‌نژاد	از هوای دامنش مینوسواد
کوچک ابدالش سوی بازار رفت	از شراب بوعلی سرشار رفت
عامل این شهر می‌آمد سوار	هم‌رکاب او غلام و چوب‌دار
پیش‌رو زد بانگ ای ناهوش‌مند	بر جلو‌داران عامل ره‌مبند
رفت آن درویش سرافکنده پیش	غوطه‌زن اندریم افکار خویش
چوب‌دار از جام اشک‌بار مست	بر سر درویش چوب خود شکست
از ره عامل فقیر آزرده رفت	دل‌گران و ناخوش و افسرده رفت
در حضور بوعلی فریاد کرد	اشکی از زندان چشم آزاد کرد

(لاهوری؛ ۱۸۷۶: ۲۳-۲۴)

شعر و شاعری شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه قلندر

بوعلی شاه قلندر، تنها یک صوفی و قلندر مجذوب نیست؛ بل که نویسنده‌یی چیره‌دست و صاحب قلم توانا و شاعری بزرگ نیز به حساب می‌آید. نثر قوی او در مکتوبات به نام *اختیارالدین* و *حکم‌نامه* شرف‌الدین درج است.

بوعلی شاه قلندر پانی پتی، بیش تر از نثر، به شعر، به خصوص در قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و رباعی به تمام این قالبها دسترسی تمام دارد. او خود را یک شاعر پُرگو و همسنگ خاقانی و نظامی به حساب می آورد:

شرف در پرتو رویت کلام از قدس آورده نه چون نظم نظامی دان نه چو اشعار خاقانی
(کلام قلندر؛ سال: ۱۲۴)

شیخ بوعلی شاه قلندر، اشعار متقدمان خویش را همواره مطالعه می کرد و پیروی از اشعار آنان را مایه فخر و مباهات خود می دانست؛ مثل سلمان ساوجی، ظهیر فاریابی و دیگران:

جمال و ساوجی و من برادریم همه همان قدر که بود جامه گی مناسب برد
(همان: ۱۰۵)

کردم متابعت به ظهر آن که گفت او شرح غم تو لذت شادی به جان دهد
(همان: ۱۱۰)

شیخ بوعلی شاه قلندر در هندوستان متولد شد؛ لیکن به خراسانی بودن و منسوب بودن خویش به عراق، همواره افتخار می کند. او می گفت که شاعر بودن او در عراق و خراسان، بیش تر از هندوستان است و افسوس می خورد، که چرا هندوستانی است:

شرف به هند در عارفی گشاد و فشرد ولی به روم و خراسان ولایتش دانند
(همان: ۱۰۸)

مرا گله ز هندوستانست و هندوی شرف به هند برست ولیکن عراقی است
(همان: ۹۹)

آثار بوعلی شاه قلندر

از آثار و تألیفات بوعلی شاه قلندر، دو مثنوی و یک کلیات شعری موجود است. مثنوی کنز/الاسرار و رساله عشقیه او معروف است. مثنوی کنز/الاسرار بوعلی شاه منظوم و شامل حکایات مختلف می باشد. رساله عشقیه شامل ۳۶۰ قطعه شعر می باشد. کلیات بوعلی، شامل ۱۷۰۰ قطعه شعر بوده، که حاوی قصیده، رباعی، قطعه و غزل می باشد. رساله عشقیه شیخ شرف الدین بوعلی شاه، مشهورترین مثنوی او به شمار می رود. به قول یک تن از منتقدان هندی: «هر بیتش از متاع عرفان معمور و هر شعرش، عارفان را موجب وجد و سرور».

فهم تمام این عناوین، همراه با افکار، خیالات عقلی و نقلی و علمی شیخ شرف الدین بوعلی، منحصر به وی می باشد، که در آن زمان در تمام عالم اسلام و میان حلقات تصوفی مروج بوده است. ابیات شامل این عناوین دارای موضوعات عشق الهی، مردان خدا، صوفی زاهد، عارف، فقر و فاقه،

قناعت یاد خدا، مسکین، تواضع، ایثار، مجاهده، ریاضت، زهد و تقوا، شاه‌وگدا، حلال و حرام، ترک دنیا، حرص و هوس و موضوعاتی از این دست است، که هم صوفیان و هم علما از آن در گفتار و نوشتار شان استفاده می‌کردند. بوعلی شاه این موضوعات را با شرح و بسط بیان نموده، برای ثبوت آن به آیات قرآن مجید، احادیث پیام‌بر اسلام (صلی‌الله علیه و سلم) و قول صلحا و عرفا متوسل شده است؛ هم‌چنین شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه در این اشعار، سلک تصوفی منصور حلاج و بایزید بسطامی را وضاحت داده، خصوصیات مکتب وحدت‌الوجود و اثرات آن را تشریح نموده است.

غزلیات سید شرف‌الدین بوعلی شاه

غزلیات بوعلی شاه قلندر پانی‌پتی، اهمیت زیادی به زبان فارسی و خاصاً به شعر عارفانه این زبان دارد. غزل بوعلی شاه در حد‌اعلای معناآفرینی، قدرت کلام و عظمت شاعرانه قرار دارد. بوعلی‌شاه در غزل نیز چون مثنوی‌هایش، فلسفه صوفیانه و موضوع عشق را رشته سخن خود قرار داده است. در غزل‌های وی، گرمی، حرارت، عشق و زیبایی خاص شاعرانه را می‌توان حس کرد. منظور از عشق در غزلیات بوعلی شاه، عشق الهی و فنا فی الله می‌باشد:

خمار عشق تو اندر دماغ زان باقیست که صورت لمن المُلک هر زمان ساقیست
ز تو گسستن و از من هزار پیوستن که آن گسستن و پیوستن از تو مشتاقیست
یا

شرف ز عشق تو گشت آن قلندر سرمست که جمله مدعیان از مهابتش مردند
(۹۹-۱۰۵)

از نظر بوعلی شاه قلندر، سینه عاشق صادق، هر دم به آتش منور می‌باشد و او هرچیز کاینات را به همین نظر می‌بیند. برای عاشق هیچ‌چیزی در دنیا حائل شده نمی‌تواند؛ به همین لحاظ بوعلی شاه قلندر به خاطر عشق الهی از همه‌چیز خود می‌گذرد:

تن، غم او را فدا سر می‌کند جان، غمش را بر سر افسر می‌کند
کار می‌گیرد غمش هر ساعت زان که عشقش رنگ من زر می‌کند
عشق او در سینه‌ام هر ساعتی دراوگیری دیگر از سر می‌کند
وای کز عشقش دلم خون گشت، خون بس به خون دیگرم در می‌کند
(کلام قلندری؛ ۱۸۹۰: ۱۰۵)

جذبه عشق حقیقی در اشعار بوعلی شاه قلندر به حدی فوران می‌کند و به درجه‌یی می‌رسد، که طالب دیدار محبوب حقیقی می‌شود:

اگر بینم شبی ناگه من آن سلطان خوبان را سری در پای وی آرم فدا سازم دل‌وجان را

بپرسم از ره یاری که جان چون نئی آخر کجایی کت ترا بینم دو چشم مست غلطان را
(همان: ۹۷)

بوعلی شاه، بعد از این احساس می کند آن چه او درباره عشق انجام داده و بیان می کند، ناکافی است. در این راه به جز درد و غم، چیز دیگری نباید دید؛ چرا که این عشق تنها به وسیله درد و غم کمایی می شود، نه چیز دیگر:

مرا غلط مکن اندر حساب عاشقیم که عاشقی است نه بازی جفت یا طاق است
به عشقش دین و دل باز و میندیش که اندر عشق او امر و نواهی است
(همان: ۵۹)

به نظر بوعلی شاه قلندر، عاشق صادق همه وقت به خیال محبوب خود غرق می باشد. او با هر چیز به محبوب خود عشق می ورزد و همیشه تعریفش را می کند، تا به جایی که در هر چیزی جلوه محبوبش را می بیند. بوعلی شاه به جایی رسیده بود که در هر چیز کائنات جلوه محبوب حقیقی به نظرش می آمد و نگاهش به جایی رسیده بود، که همیشه می گفت: خالق همه چیز است:

فلک از یک خم ابروش طاقی است ملک با چشم پاکش در تنا قیست
گهی انوار رخسارش چو برقی است گهی اسرار عشقش بر براقی است
(کلام قلندری؛ ۱۸۹۰: ۱۰۰)

بوعلی شاه همواره به این عشق معنوی خود ناز و افتخار می کرد و او همواره پُر از نشئه محبت بود و اگر کسی سر او را هم در این طلب می کرد، ابایی از آن نداشت؛ چرا که هرگز نمی خواست از راه خود بگذرد:

ز عشق روی تتابم اگر سرم برود ملامتی همه عالم بداخترم برود
کجا ز بادیۀ عشق پای باز کشم اگر چه بار من اُفتد و خرم برود
(همان: ۱۰۴)

بوعلی شاه قلندر در اشعار خود تلمیحات را واضح استعمال می کند و در غزلیات خود واقعات تاریخی را ذکر می نماید. او با بیان نمودن این واقعات، فلسفه خود را و عشق توحیدی را تقویت تمام نموده است و آن را در کنار معنویت قرار داده است. بوعلی شاه قلندر، موضوعات واقعی تاریخی را که مربوط به رسول اکرم صلی الله و علیه و سلم است؛ همچنین واقعات مذهبی و معجزات را به کمال خوبی و وضاحت به نظم کشیده است، که این توانایی و تبحر او را در شعر و سخن نمایان می سازد و این کار او از نظر نقادان قابل تحسین و ستایش می باشد. شیخ شرف الدین بوعلی شاه، معجزات و خصوصیات حضرت آدم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت مریم علیه السلام، مادر حضرت عیسی علیه السلام را به زبانی زیبا به تصویر کشیده، دوستی آن ها را دوستی با محبوب راستین و عشق آن ها را به خداوند،

عشق واقعی به حساب می‌آورد. معجزه حضرت موسی علیه‌السلام و بعضی دیگر از پیام‌بران و اصحاب حق را این گونه به تصویر می‌کشد:

رخ او نور مقدس، لب او روح مصفا
جعدش افعی موسی، کف او چون ید بیضا
مریم از قدس لبش حامله روح‌الله
آدم از پرتوی رویش ز گلی یافته احیا
(بوعلی‌شاه؛ ۱۸۹۰: ۱۰۶)

شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه، حُسن و عشق حضرت یوسف و زلیخا را این گونه بیان می‌کند:
یوسف از عکس جمالش نگزیدی در حوری
مست و سرگشته شدی چون که برو بود زلیخا
(همان: ۹۸)

روان آدم و انوار یوسف مصری
زکات خوبی تو بستند و پروردند
عیسی به دهر ما نبود جز صلیب‌دار
در دعوی صفا نبود راعی خر است
با صورتت که سجده روحی همی برند
عیسی اگر سجود بنارد دم خر است
(همان: ۱۰۰)

درنهایت در کلام شیخ شرف‌الدین بوعلی شاه و به‌طور خاص در غزلیات او، یک قسم ترنم و آهنگ را می‌توان دید. در بعضی اشعارش تنها الفاظ تکرار نگردیده؛ بل که لطف خاصی در آن‌ها وجود دارد، که گویی الفاظ باهم نشست و برخاست می‌کند و شعر او را با حسن بالا و پایین می‌نماید. او پیچیده‌گی شعر را در اشعار گوناگونی به زیبایی خاص تجسم می‌بخشد:

سری پیچم و می‌پیچم، منم پیچیده جانان
شرف چون مار می‌پیچد چه بینی مار پیچان را
بیا ای عاشق صادق، مگر چندی به دیر افتی
برو در گنج ویرانه، بین آن مار پیچان را
بین آن مار پیچان را که از عشقش شرف پیچد
تن بی‌جان، دل بی‌جان، من بی‌جان، جانان را
(همان: ۹۷)

بوعلی شاه قلندر و قالب رباعی

شیخ شرف‌الدین در هر صنف شاعری با نشان دادن جوهر شاعرانه خود، مسلک و روش صوفیانه خود را به زیبایی خاص نشان می‌دهد؛ هم‌چنان او که در غزلیاتش این عشق معنوی خود را به نمایش می‌گذارد، در رباعیات هم عشق عارفانه او تجلی خاص خود را دارد. او در رباعیات خویش هم، قدرت و طاقت عشق را وضاحت می‌بخشد، جنبه‌های مختلف آن را بیان می‌کند. او در رباعیات خود هم به عشق صوفیانه خویش افتخار می‌نماید و با سربلندی تمام می‌گوید:

آوازه عشق ما به هر خانه رسید
درد دل ما به خویش و بیگانه رسید
از دست غم عشق تو هر جا که روم
گویند ز ره دور که دیوانه رسید
(بوعلی‌شاه قلندر؛ ۱۸۹۰: ۱۱۱)

از دید سیدشرفالدین بوعلی شاه، راه عشق بی انتهاست و هر صوفی‌یی و یا عالمی در این راه مانند طفل یک مکتب است. بوعلی شاه باوجود ناز و افتخار به عشق، باز خود را زیادت‌ر از گدای درگاه حضرت عیسی ^{علیه السلام} و خر او نمی‌دانست:

هر پیر که در عصره عالم نر بود در بازی عشق ما کم از دختر بود
گر قیمت من به هر دو عالم سنجند گویی مثلاً بهایی عیسی خر بود
(همان جا)

نتیجه‌گیری

از آن چه گفته شد، بدین نتایج دست می‌یابیم که:

— حضرت شرفالدین بوعلی قلندر پانی‌پتی، از عارفان مشهور قرون هفتم و هشتم هجری در شبه قاره هند می‌باشد، که مورد احترام شاعران و سلاطین زمانش قرار گرفته است؛

— شیخ شرفالدین بوعلی قلندر، شاعری بزرگ است، گاهی به پیروی از شاعران قبل و هم‌عصر خود، از جمله سلمان ساوجی، سلمان لاهوری، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، اشعاری سروده و به آن فخر می‌کند؛

— بوعلی قلندر اشعاری با محتوای عرفانی در قالب‌های غزل، قطعه و رباعی سروده و از وی قصایدی نیز در دست است؛

— به نظر او جذبه‌یی برای رسیدن به جذبه عشق به ذوق و شوق و کوشش ضرورت است. صبر، رضا، توکل، استغنا و قناعت را باید پشت سر بگذاریم تا داخل کوچه عشق شویم و این‌که تنها به ریش و لنگی و عمامه، قلندر شده نمی‌توانیم. هر کسی که مقامات را پشت سر نهد، به جذبه و عشق دست می‌یابد و بس.

پیش‌نهادها

۱. دیوان اشعار شیخ شرفالدین بوعلی شاه پانی‌پتی، باید با تنقیح درست تجدید چاپ شود؛
۲. رابطه شیخ شرفالدین بوعلی شاه با شاعران بزرگ، از جمله مولانا جلال‌الدین محمد بلخی با تحقیق علمی و همه‌جانبه مشخص گردد؛
۳. راجع به عرفان شیخ شرفالدین بوعلی، تحقیقی دقیق و جداگانه صورت گیرد.

سرچشمہ ها

۱. اعظمی، شعیب. (۱۹۸۵). رسالہ معارف. نیودہلی: مکتب جامعہ.
۲. اعظمی، شعیب. (۱۹۸۵). فارسی ادب بہ عہد سلاطین تغلق. نیو دہلی: مکتب جامعہ.
۳. اقبال، محمد. (۱۹۹۶). فارسی ادب کی ارتقا میں پانی پت. ہند: مطبعہ ایکزور پرنٹرز پتودی ہاوس.
۴. بوعلی شاہ قلندر، شرف الدین. (۱۸۹۰). کلام قلندری. نشر: مطبعہ جت پرشاد میرٹ.
۵. _____ (۱۲۲۳ قمری). رسالہ حضرت شاہ بوعلی قلندر. تحریر فضلی اعلیٰ و ذاکر حسین لایبراری. نیودہلی: جامعہ میلیہ اسلامیہ،
۶. _____ (۱۲۸۵). مثنوی بوعلی شاہ قلندر. تحریر غلام رسول و ذاکر حسین لایبراری. دہلی: بی نام.
۷. سیرالاقطاب. (۱۹۱۳). الہدیہ چشتی. لکنہو: نول کیشور پرس.
۸. عبدالرحمن، صباح الدین. (۱۹۷۱). بزم صوفیہ. بی جا: مطبعہ معارف.
۹. _____ (۱۹۸۲). تذکرہ اولیای کرام. لاہور: ادبستان.
۱۰. لاہوری، علامہ اقبال. (۱۸۷۶). اسرار و رموز اقبال کا فارسی کلام. لاہور: اقبال اکادمی.
۱۱. _____ (۱۹۷۶). مراۃ الکونین. لاہور: مطبعہ نولکیشور بہ حوالہ اقبال کا محبوب.
۱۲. لاہوری، غلام سرور. (۱۲۸۰). خزینہ الاصفیا. لکنہو: مطبعہ نولکیشور.
۱۳. محدث دہلوی، شیخ عبدالحق. (۱۲۸۰ ھ ق). اخبار الارخیاہ. دہلی: مطبعہ مجتہبی.
۱۴. میان، مولانا محمد. (۱۹۶۳). پانی پت اور بزرگان پانی پت. دہلی: الجمعیتہ پرس دہلی.

